

## دکتر رابرت چیشولم، ساموئل او، ۲۶، جلسه ۲۶، دوم سموئیل ۲۱

۲۰۲۴ © رابرت چیشولم و تد هیلدبرانت

این دکتر باب چیشولم در تدریس خود در مورد اول و دوم سموئیل است. این جلسه ۲۶، انتقام با چماق برای جبعونیان، فصل ۲۱ آیات ۱ تا ۱۴، و مردان قدرتمند داوود، فصل ۲۱ آیات ۵ و بعد، و فصل ۲۳ آیات ۸ و بعد است.

در مطالعاتمان در مورد اول و دوم سموئیل، به بخش پایانی رسیدیم که شامل فصل‌های ۲۱ تا ۲۴ از کتاب دوم سموئیل است.

این بخش به ترتیب زمانی نیست. داستان داوود در پایان فصل ۲۰ کتاب دوم سموئیل متوقف می‌شود. بخش پایانی شامل مطالبی از مقاطع مختلف زندگی داوود است و سپس داستان دوباره در فصل‌های ۲۱ و ۲۲ کتاب اول پادشاهان از سر گرفته می‌شود، جایی که در مورد این واقعه می‌خوانیم که سلیمان جانشین داوود خواهد شد و سپس داوود.

از دنیا می‌رود.

همانطور که بخش پایانی، دوم سموئیل ۲۱ تا ۲۴ را می‌خوانید، ممکن است در ابتدا به نظر برسد که مطالب به طور تصادفی در آنجا ریخته شده‌اند. به نظر نمی‌رسد ساختار مشخصی وجود داشته باشد، اما در واقع وجود دارد و این چیزی است که ما آن را کیاستیک یا متحدالمرکز می‌نامیم.

ساختار آینه‌ای. من شما را در طرح کلی راهنمایی می‌کنم و فکر می‌کنم خواهید دید که چگونه کار می‌کند.

این بخش از فصل ۲۱ آیات ۱ تا ۱۴ شرح گناه شائول و کفاره آن آغاز می‌شود. این روایت اولیه زمانی را به یاد می‌آورد که شائول علیه جبعونیانی که بنی‌اسرائیل با آنها پیمان بسته بودند، مرتکب گناه شد و خداوند بنی‌اسرائیل را به خاطر گناهان شائول مجازات کرد. در این زمان، داوود پادشاه است و داوود باید کتیف‌هایی را که شائول به جا گذاشته بود، پاک کند، بنابراین من این بخش، گناه شائول و کفاره آن، را داوود به عنوان قاضی سلطنتی می‌نامم.

داوود قرار است در اینجا به عنوان قاضی سلطنتی عمل کند. او قرار است بین جبعونیان و اسرائیل میانجیگری کند تا خداوند لطف خود را به اسرائیل بازگرداند، اما ما در اینجا در مورد آن متن کمی بعد صحبت خواهیم کرد. بنابراین، می‌توانیم آن داستان اولیه را به عنوان A در طرح کلی تعیین کنیم.

سپس در فصل ۲۱ آیات ۱ تا ۵، بخشی داریم که اعمال قدرتمند مردان داوود را ثبت می‌کند. داوود در طول دوران خدمت خود پیروزی‌های بزرگی برای اسرائیل به دست آورد، اما بخش پایانی کتاب روشن می‌کند که او کمک زیادی دریافت کرده است و این همیشه برای بندگان برگزیده خداوند صادق است. آنها به حمایت دیگران نیاز دارند.

برای تحقق اهداف خدا به یک تیم نیاز است و بنابراین شرح مختصری از اعمال قدرتمند مردان داوود وجود دارد و می‌توانیم آن را در طرح کلی B بنامیم. بنابراین، ما داستان اولیه را داریم که در آن داوود به عنوان قاضی سلطنتی عمل خواهد کرد و سپس اعمال قدرتمند مردان داوود. وقتی به دوم سموئیل ۲۲ می‌رسیم، که شعری طولانی است که در مزامیر نیز آمده است.

در مزمور ۱۸، دو نسخه از این شعر واحد که داوود سروده است، داریم. این سرود شکرگزاری داوود است، که از خداوند برای حمایت، نجات و پیروزی در نبرد تشکر می‌کند. دوم سموئیل ۲۲ آیات ۵۱ تا ۵۱.

همانطور که گفتیم، آهنگ خیلی خیلی طولانی‌ای است. می‌تواند C باشد.

خب، الف، ما دیوید را به عنوان قاضی سلطنتی داریم.

ب، اعمال عظیم مردان داوود.

و C، سرود شکرگزاری داوود.

اتفاقی که قرار است در این مرحله از بخش پایانی فصل‌های ۲۳ و ۲۴ بیفتد این است که ما به عقب برمی‌گردیم. ما به ترتیب الف، ب، ج رفته‌ایم. حالا می‌خواهیم آن را برعکس کنیم و به ترتیب ج، ب، الف برویم. و بنابراین، در ابتدای فصل ۲۳ آیات ۷ تا ۷، سخنان پایانی داوود را داریم.

اسمش هست، یه شعر کوتاهه، اما با شعر بلندی که تو فصل ۲۲ هست مطابقت داره.

بنابراین، می‌توانیم آن را با حرف C نیز خطاب کنیم. سپس به بخش دیگری می‌رسیم که به اعمال عظیم مردان داوود در فصل ۲۳ آیات ۸ تا ۳۹ می‌پردازد.

داوود در واقع گروهی از جنگجویان نخبه داشت که به آنها سی نفر می‌گفتند، و نام همه آنها در آنجا آمده است. و در ابتدا، شما فکر می‌کنید، خب، ما قبلاً در مورد مردان قدرتمند صحبت کردیم. چرا این مطلب با مطالب قبلی یکی نیست؟ دلیلش این است که نویسنده می‌خواهد مطالبش را به صورت متحدالمرکز مرتب کند.

این یک شیوهی ساختاردهی بسیار رایج است که در جاهای مختلف عهد عتیق می‌بینیم. بنابراین، می‌توانیم این بخش دوم دربارهی اعمال عظیم مردان داوود را، بخش ب، متناظر با بخش اول بنامیم. و سپس بخش پایانی با داستان دیگری به پایان می‌رسد.

این بار داستان گناه داوود و کفاره آن است، گناه داوود در سرشماری قوم. و در این مورد، داوود واسطه بین اسرائیل و خداوند است و داوود به عنوان یک کاهن سلطنتی عمل می‌کند. و این چیزی است که در فصل ۲۴ می‌بینیم.

بنابراین، برای مرور سریع ساختار خاتمه، با گناه شائول و کفاره آن آغاز می‌شود، داوود به عنوان داور سلطنتی، یعنی الف. اعمال عظیم مردان داوود، ب.

سرود شکرگزاری داوود، ج. سپس شعری دیگر، سخنان پایانی داوود، ج در بخش دوم موخره. دوباره اعمال عظیم مردان داوود، ب. و سپس گناه داوود و کفاره آن، داوود به عنوان یک کاهن سلطنتی، و این آخرین الف ما خواهد بود.

بخش. بنابراین امیدوارم که توانسته باشید آن را دنبال کنید و یک نتیجه گیری واضح وجود دارد  
چیدمان در این بخش و همانطور که می‌بینید، نوعی نمونه کوچک از طرح‌های دیوید است

حرفه.

داوود مجبور بود خرابکاری‌های شائول را پاک کند. داوود در پیروزی‌های بزرگ از کمک‌های زیادی از مردان قدرتمندش برخوردار بود و در آن اشعار درباره  
رابطه‌اش با خدا صحبت می‌کند. داوود همچنین موافقی را تجربه کرد که شکست خورد و داستان پایانی در فصل ۲۴ نمونه‌ای از آن است.

بنابراین، با این مقدمه برای بخش پایانی، بیایید به خود مطلب، دوم سموئیل، فصل ۲۱، آیات ۱ تا ۱۴ برویم. جایی که قرار است درباره گناه شائول و کفاره آن  
بخوانیم. جایی که داوود قرار است به عنوان قاضی سلطنتی عمل کند. اما می‌توانیم این بخش را انتقام خونین در جبهه بنامیم. و چیزی که خواهیم دید این  
است که گناه، در این مورد گناه شائول، گاهی اوقات عواقب ویرانگری دارد و برای خانواده‌اش نیز همینطور بود، زیرا خدا خدای عادل است و عدالت او باید  
برآورده شود.

خب، بیایید با این داستان شروع کنیم. داستان شادی نیست. مانند بسیاری از قسمت‌های کتاب‌های سموئیل، این داستان هم بُعد نگران‌کننده‌ای دارد و  
خواندنش خالی از لطف نیست.

در طول سلطنت داوود، به ما گفته نشده است که چه زمانی، اما مدتی پس از پادشاهی داوود، قحطی به مدت سه سال متوالی رخ داد. این خوب نیست. این  
برای بنی‌اسرائیل به عنوان مشکلی در رابطه ما با خدا تلقی می‌شد.

چرا قحطی شده است؟ چرا خدا ما را برکت نمی‌دهد؟ زیرا آنها از نحوه‌ی بسته شدن پیمان می‌دانند که اگر اسرائیل مطیع باشد، خداوند آنچه را که نیاز دارند  
فراهم خواهد کرد.

اگر آنها نافرمانی کنند، خداوند قحطی خواهد آورد. و بنابراین، به نظر می‌رسد که اتفاقی افتاده که خداوند را ناراحت کرده است.

بنابراین، داوود به حضور خداوند رفت و رحمت او را طلب کرد و سعی کرد اطلاعاتی در مورد آنچه اتفاق افتاده بود، به دست آورد. فکر می‌کردید که او این کار را  
زودتر و قبل از اینکه قحطی به سه سال برسد، انجام می‌داد، اما با این وجود، او سرانجام به حضور خداوند می‌رود و خداوند بسیار واضح پاسخ می‌دهد.

جالب اینجاست که این به خاطر شائول و خانه‌ی خون‌آلودش است. شائول خانه‌ی خودش را، گویی خانواده‌ی خودش را، لکه‌دار کرده است. به این دلیل است  
که او جیعونیان را به قتل رساند.

ما قبلاً در کتاب‌های سموئیل در مورد این موضوع چیزی نخوانده بودیم. بنابراین، این نشان می‌دهد که اتفاقات زیادی افتاده که قبلاً در داستان به ما گفته نشده  
است. و این یکی از آنهاست.

او جبعونیان را کشت. بنابراین، ما باید کمی در مورد پیشینه ماجرا تحقیق کنیم. چرا این می‌تواند اشتباه باشد؟ جبعونیان بخشی از گروه کنعانی بودند.

چرا تلاش شائول برای کشتن آنها اشتباه است؟ خب، اگر به کتاب یوشع، فصل ۹، برگردید، به یاد خواهید آورد که بنی‌اسرائیل در حال حمله به آن سرزمین بودند و مردم جبعون ترسیده بودند. آنها فهمیدند که قرار است نابود شوند، بنابراین نقشه‌ای کشیدند. لباس‌های کهنه پوشیدند و نان کپک‌زده کهنه برداشتند و نزد بنی‌اسرائیل رفتند و گفتند: ما از سرزمینی دور آمده‌ایم.

ما درباره بزرگی تو شنیده‌ایم. می‌خواهیم با تو پیمان ببندیم. بنی‌اسرائیل این را باور کردند و با جبعونیان پیمان بستند.

در این زمینه، پیمان‌ها با سوگند خوردن محکم می‌شوند. و بنابراین، بنی‌اسرائیل سوگند یاد کردند که به جبعونیان آسیبی نرسانند. در عوض، جبعونیان به عنوان خدمتگزار بنی‌اسرائیل خدمت خواهند کرد.

این پیمان‌ها نفرین‌هایی دارند. معمولاً در یک پیمان، شما می‌گویید، اگر من این پیمان را بشکنم، ممکن است توسط خدا یا خدایان مجازات شوم. اینها نفرین نامیده می‌شوند.

آنها به دلیل نقض پیمان، مجازات‌هایی را تهدید کرده‌اند. بنابراین، اسرائیل این پیمان را با جبعونیان بست. سپس متوجه شدند که جبعونیان آنها را فریب داده‌اند.

اما این پیمان بسته شد و بنابراین بنی‌اسرائیل متوجه شدند که ما باید به این پیمان پایبند باشیم. و بنابراین، بنی‌اسرائیل و جبعونیان برای مدت طولانی و طولانی با هم رابطه‌ی کاری داشتند. شائول از راه رسید و تصمیم گرفت که من جبعونیان را از بین بخواهم برد.

ما قبلاً دیده‌ایم که شائول آنطور که باید در ریشه‌کن کردن عمالیقیان شکست خورد، اما او به سرعت سعی می‌کند جبعونیان را از بین ببرد، حتی با اینکه آنها با اسرائیل پیمانی دارند. خب، خداوند طرف جبعونیان است زیرا آن پیمان با سوگند بسته شده بود و خداوند محافظ این پیمان است. و بنابراین، این حس وجود دارد که وقتی اسرائیل این پیمان را منعقد می‌کند و به خداوند به عنوان ضامن یا محافظ متوسل می‌شود، خداوند مسئول محافظت از منافع جبعونیان خواهد بود.

بنابراین، در دوم سموئیل ۲۱:۲ می‌خوانیم که پادشاه جبعونیان را احضار کرد و با آنها صحبت کرد. جبعونیان بخشی از اسرائیل نبودند، بلکه بازماندگان اموریان بودند. این همان پیشینه‌ی است که در مورد آن صحبت کردیم.

بنی‌اسرائیل قسم خورده بودند که آنها را نجات دهند، اما شائول با تعصبی که برای اسرائیل و یهودا داشت، سعی در نابودی آنها داشت. بنابراین، ظاهراً شائول با نوعی تعصب ملی‌گرایانه، طرفدار اسرائیل و طرفدار یهودا، تصمیم گرفت که ما نمی‌خواهیم جبعون‌ها در میان ما زندگی کنند. و بنابراین، او تصمیم گرفت آنها را از بین ببرد و سعی کرد این کار را انجام دهد و ظاهراً بسیاری از آنها را کشت.

بنابراین، داوود از جبعونیان پرسید، برای شما چه باید بکنم؟ چگونه کفاره بدهم تا شما میراث خداوند را برکت دهید؟ ما به خاطر کاری که شائول انجام داد، مجازات می‌شویم. ما نمی‌خواهیم این ادامه پیدا کند. ما باید غذا بخوریم.

بنابراین، ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا شما را آرام کنیم، تا کفاره گناه شائول را بدهیم تا شما از خداوند بخواهید ما را برکت دهد؟ زیرا شما از بسیاری جهات سرنوشت ما را در اینجا در دستان خود دارید. ما پیمان را نقض کردیم و می‌خواهیم بدانیم که برای بازگشت به رابطه مناسب با شما و با خداوند چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. و جبعونیان پاسخ دادند: ما حق نداریم از شائول یا خانواده‌اش نقره یا طلا مطالبه کنیم، و همچنین حق نداریم کسی را در اسرائیل به قتل برسانیم.

دیوید پرسید: «خب، می‌خواهی چه کاری برایت انجام دهم؟» بنابراین، آنها با گفتن آنچه که فکر نمی‌کنند منصفانه است شروع کردند. دیوید می‌خواهد بداند که آنها چه چیزی را منصفانه می‌دانند.

بنابراین، آنها به پادشاه پاسخ دادند، در مورد مردی که ما را نابود کرد، شائول، و علیه ما توطئه کرد تا ما نابود شویم، شائول حتماً بسیاری از این جبعونیان را از بین برده و دیگر جایی در اسرائیل ندارند. ما اکنون بسیار ضعیف هستیم، واقعاً جایی در میان اسرائیل نداریم. قبلاً مردمی قوی بودیم و اکنون نابود شده‌ایم.

بگذارید هفت نفر از فرزندان ذکور او، حالا مطمئنم که شائول بیش از هفت نفر از جبعونیان را کشت، اما در دنیای عهد عتیق و در عهد عتیق، هفت اغلب عددی است که به صورت نمادین برای نشان دادن کامل بودن، تمام شدن و کمال استفاده می‌شود. بنابراین، آنها این عدد بسیار نمادین را انتخاب می‌کنند و می‌گویند، بگذارید هفت نفر از فرزندان ذکور او، که به نوعی نمایانگر خاندان خون‌آلود شائول هستند، به ما داده شوند تا کشته شویم و اجسادشان در برابر خداوند قرار گیرد. این بسیار مهم است.

آنها این را به عنوان چیزی که قرار است در حضور خداوند انجام شود، می‌بینند. بنابراین، آنها این را به عنوان چیزی عادلانه می‌دانند. خداوند مجازات پرداخت شده را خواهد دید و سپس نعمت خود را به اسرائیل باز خواهد گرداند.

بنابراین، در حضور خداوند در جبعه شائول، آنها این کار را در زادگاه شائول انجام خواهند داد، که به نظر مناسب می‌رسد، برگزیده خداوند. بنابراین، پادشاه گفت، من آنها را به شما خواهم داد. پس، بفهمید که اینجا چه اتفاقی می‌افتد.

هفت نفر از نوادگان شائول به خاطر گناهان او اعدام خواهند شد. چه در این کار دست داشته باشند و چه نداشته باشند، آنها اعدام خواهند شد تا بهای آن را بپردازند. و بنابراین، داوود در شرایط بسیار سختی قرار دارد.

او باید انتخاب کند که کدام هفت نفر از نسل او کشته خواهند شد. پادشاه به خاطر سوگندی که در حضور خداوند بین داوود و یوناتان، پسر شائول، خورده بود، مفیوشت، پسر یوناتان، پسر شائول را نجات داد. داوود خودش با یوناتان عهد بسته بود و قول داده بود که از نسل یوناتان محافظت کند.

بنابراین، او نمی‌تواند به کسی که از نوادگان یوناتان است، دست بزند. و بنابراین، مفیوشت، که قبلاً در مورد او خوانده‌ایم، کسی که در کودکی به دلیل لنگ بودن زمین خورد، داوود جان او را نجات می‌دهد. داوود از او مراقبت کرده است و او جان او را نجات می‌دهد.

اما پادشاه، آرمونی و مفیوشت دیگر، دو پسر دختر ایه، رصفه، را که او برای شائول به دنیا آورده بود، با خود برد. بنابراین، شائول از این صیغه رصفه صاحب دو پسر شد. و بنابراین، داوود آن دو پسر را به همراه پنج پسر دختر شائول، مراو، با خود برد.

یادتان هست که شائول سعی کرده بود مرگ را به ازدواج داوود در بیاورد. داوود زیر بار این کار نرفت. او در نهایت با میکائیل ازدواج کرد.

بنابراین، پنج پسر از دختر شائول، میرب، که او برای عدرئیل، پسر برزلائی مهولاتی، به دنیا آورده بود. بنابراین، پنج نفر از نوادگان شائول از طریق میرب. فقط تصور کنید که این موضوع چه دردی را برای والدین آنها ایجاد کرده است.

او آنها را به جیعونیان تسلیم کرد. اما در ضمن، از داوود عصبانی نشوید و از خداوند عصبانی نشوید. این یک مسئله عدالت است.

به قربانیان، در این مورد، جیعونیان، فکر کنید. و عدالت باید اجرا شود. و متأسفانه، این پسران و نوه‌ها باید بهای گناهان شائول را بپردازند.

او آنها را به جیعونیان سپرد که آنها را کشتند و اجسادشان را بر روی تپه‌ای در حضور خداوند به نمایش گذاشتند. هر هفت نفر آنها با هم کشته شدند. آنها در اولین روزهای برداشت، درست زمانی که برداشت جو آغاز شده بود، کشته شدند.

مارس، آوریل، همین حوالی. رزیا، دختر آیه، که دو پسرش را در این ماجرا از دست داده است، پلاسی برداشت که اغلب با عزاداری همراه است و آن را برای خود روی صخره‌ای پهن کرد. از ابتدای برداشت محصول، تا زمانی که باران از آسمان بر اجساد می‌ریخت، او اجازه نمی‌داد پرنندگان روز و حیوانات وحشی شب به آنها دست بزنند.

نگرش رزیا این است که من اجازه نمی‌دهم پسرانم توسط حیوانات وحشی خورده شوند. قرار است مراسم تدفین مناسبی برایشان برگزار شود. و من شب و روز آنجا می‌مانم و نمی‌گذارم این لاشخورها اجساد پسرانم را بخورند.

حالا، اعدام شاید در ماه آوریل، مه، مارس، آوریل، مه، برداشت جو اتفاق افتاده باشد. و او از اجساد محافظت کرد تا باران بیارد، که نشان می‌داد قحطی و خشکسالی تمام شده است. ما مطمئن نیستیم که این شب زنده‌داری چقدر طول کشیده است.

باران‌های پاییزی تا ماه اکتبر و نوامبر نمی‌بارند، بنابراین او ممکن است ماه‌ها آنجا بوده باشد. از طرف دیگر، چون قحطی بوده، خداوند ممکن است

قبل از آن باعث باران شده باشد، که یعنی او نمی‌توانسته مدت زیادی آنجا بماند. اما با این حال، او برای مدت طولانی آنجاست.

وقتی به داوود گفته شد که رزفه، دختر آیه و صیغه شائول، چه کرده است، با خود فکر کرد. شاید لازم باشد برای شائول و یوناتان مراسم تدفین شایسته‌ای برگزار کنیم.

و بنابراین، این یک کاتالیزور برای تفکر خودش در مورد آنها است. و او رفت و استخوان‌های شائول و پسرش یوناتان را از شهروندان جلعاد بیهوه گرفت.

آنها اجسادشان را از میدان عمومی بیت شان دزدیده بودند، جایی که فلسطینیان پس از کشتن شائول در جلبوع، آنها را به دار آویخته بودند. همانطور که به یاد دارید. شهروندان جلعاد بیهوه که شائول را دوست داشتند زیرا او یک بار آنها را از ناحاش عمونی نجات داده بود، رفتند و اجساد را برداشتند و به شهر خود بازگرداندند. داوود استخوان‌های شائول و پسرش یوناتان را از آنجا آورد و استخوان‌های کسانی که کشته و بی‌پناه شده بودند، جمع‌آوری شد.

و آنها استخوان‌های شائول و پسرش یوناتان را در مقبره قیس، پدر شائول، در زله در بنیامین دفن کردند و هر کاری را که پادشاه دستور داده بود انجام دادند. بنابراین، داوود احساس می‌کند که شائول و یوناتان باید در مقبره اجدادی خود دفن شوند، بنابراین می‌رود و آن استخوان‌ها را برمی‌دارد و آنها را برمی‌گرداند. اقدامات ریزه عامل این امر بود.

و سپس در انتهای آیه ۱۴ می‌خوانیم، و از این طریق است که می‌دانیم خداوند آنچه را که در اینجا اتفاق افتاده به عنوان عدالت تأیید می‌کند، و او طرف جبعونیان است.

پس از آن، خداوند به نیابت از زمین دعا را مستجاب کرد. و من فرض می‌کنم که این بدان معناست که چرخه فصلی دوباره با نظم خود آغاز شد و همه چیز خوب پیش رفت.

این روایت نگران‌کننده‌ای است، زیرا آنچه در این داستان اتفاق می‌افتد این است که پسران و نوه‌ها تاوان گناهان پدر یا پدربزرگ را می‌پردازند. طبق قانون عهد عتیق، شما نباید فرزندی را به خاطر گناه والدینش مجازات کنید. قانون به دادگاه‌های اسرائیل اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.

اما خدا در دست‌های متفاوتی قرار دارد. خدا خالق زندگی و آفریننده‌ی آن است و می‌تواند با سلب نعمت فرزندان، افراد را مجازات کند. انسان‌ها نمی‌توانند این کار را انجام دهند، اما خدا کسی است که در وهله‌ی اول نعمت را می‌دهد و می‌تواند گناهکاران را با سلب فرزندان‌شان مجازات کند.

و ما نمونه‌هایی از این را در عهد عتیق می‌بینیم. در تورات، در شریعت، خداوند هشدار می‌دهد که گناهکاران، کسانی که از او متنفرند، کسانی که علیه او شورش می‌کنند، عواقب گناه خود را در خانواده خود تا نسل سوم یا چهارم خواهند دید. مردم گاهی اوقات فکر می‌کنند که این یک نوع رابطه بین نسلی فراتر از طول عمر فرد است، اما در واقع، در این فرهنگی که مردان خیلی خیلی جوان ازدواج می‌کنند و شروع به بچه‌دار شدن می‌کنند، شما می‌توانید در حدود ۱۵ سالگی پدر شوید، در ۳۰ سالگی پدربزرگ شوید، می‌توانید نسل سوم و چهارم را ببینید.

در واقع، یک کتیبه به زبان آرامی داریم که در آن فردی، یک کاهن، در حال مرگ است و می‌گوید: «من فرزندانم را تا نسل چهارم، در اطرافم دیدم.» بنابراین، این به معنای تمام عمر شمامست. بنابراین، ما آن سیاستی را داریم که در قانون آمده است.

ما نمونه‌هایی از این را در کتاب اعداد داریم، زمانی که داتان، ایبرام و قورح علیه موسی شورش می‌کنند و خداوند آنها را به خاطر گناهشان مجازات می‌کند، فرزندان به همراه والدین گناهکارشان اعدام می‌شوند. زمین دهان باز می‌کند و فرزندان، حتی فرزندان کوچک داتان و ایبرام را در خود می‌بلعد. متوجه می‌شویم که پسران قورح نجات یافته‌اند.

نمی‌دانم، شاید آن روز داشتند در خانه‌ی کسی بازی می‌کردند، اما جانشان نجات یافت. اگر یادت باشد، عخان، وقتی عخان علیه خداوند گناه کرد و مقداری از غنیمت را دزدید، فرزندان هم همراهش اعدام شدند. بعضی‌ها خواهند گفت، خب، حتماً آنها هم در این کار دست داشته‌اند.

خب، چرا حیواناتش اعدام شدند؟ آیا آنها در این کار دست داشتند؟ نه، آخان و اموالش گرفته شد، و این حق خداوند است که این کار را انجام دهد. ما حتی شاهد آشکار شدن این موضوع در داستان داوود هستیم. داوود گناه کرد.

او گفت که گناهکار چهار برابر تاوان خواهد داد. البته، او گناهکار است، و او، یکی یکی، پسرانش را از دست می‌دهد. حالا، آنها اینجا به نوعی خودپیرانگر هستند، اما با این وجود، این تنبیه خدا بر داوود است.

و بنابراین، هر چقدر هم که ما را آزار دهد، موافقی وجود دارد که خداوند صلاح می‌داند نعمت فرزندان خود را از افرادی که آشکارا علیه او شورش کرده‌اند، سلب کند. شائول با نقض این پیمان با جیعونیان این کار را انجام داده بود. شائول بسیاری از جیعونیان را به قتل رسانده بود و جیعونیان درخواست غرامت کردند و خداوند این را فراهم کرد.

و بنابراین، از داوود عصبانی نشوید. از خداوند عصبانی نشوید. متوجه باشید که این اتفاقی است که وقتی افراد علیه خداوند گناه می‌کنند، می‌افتد.

همیشه آسیب‌های جانبی وجود دارد. عواقبی هم دارد، و من فکر می‌کنم در این مورد برخی از افراد بی‌گناه به دلیل گناهان جدشان شائول جان خود را از دست دادند. اکنون می‌خواهیم به بخش بعدی فصل ۲۱ برویم، که بخش مربوط به مردان قدرتمند داوود است، آیات ۱۵ تا ۲۲.

و در ساختار متحدالمرکز بخش پایانی که در موردش صحبت کردیم، به بخش دوم در مورد مردان قدرتمند داوود در فصل ۲۳ نیز خواهیم پرداخت. قرار نیست زمان زیادی را صرف این موضوع کنیم. خیلی جالب است و می‌توانید خودتان در موردش بخوانید، اما در آیه ۱۵ از فصل ۲۱، می‌بینیم که بار دیگر نبردی بین فلسطینیان و اسرائیل رخ داده است.

دقیقاً به ما گفته نشده چه زمانی. داوود به همراه مردانش برای جنگ با فلسطینیان می‌رود و خسته می‌شود. و سپس متوجه می‌شویم که یک جنگجوی فلسطینی به نام ایشی-بنوف وجود دارد که از نوادگان رفائیان است.

به جورایی ترسناک به نظر می‌آید، و اون به سر نیزه برنزی داره که خیلی خیلی بزرگه، و داوود رو هدف قرار داده. سر نیزه برنزی اون احتمالاً حدود هفت و نیم پوند وزن داره، و داوود رو هدف قرار داده. اون اعلام کرده، من داوود رو می‌کشم.

بنابراین، ایشی، که در طول داستان بارها با او آشنا شده‌ایم، کسی است که می‌خواست شاتول را بکشد. داوود به او اجازه نداد. او دو بار می‌خواست شمع را بکشد.

داوود به او اجازه نداد، اما او مرد خوبی برای معاشرت است. او یک جنگجوی ماهر است و به نجات داوود می‌آید و آن فلسطینی را به زمین می‌زند و می‌کشد. اما افراد داوود در این مورد به داوود می‌گویند که دیگر با ما به جنگ نخواهی رفت زیرا ما نمی‌خواهیم چراغ اسرائیل خاموش شود.

آنها به این شکل به داوود اشاره می‌کنند. چراغ چیزی است که نور می‌دهد و به شما جهت می‌دهد، بنابراین شما لغزش نمی‌خورید یا نمی‌افتید. و بنابراین، آنها داوود را به عنوان رهبر ملت، به عنوان چراغ خود، کسی که آنها را هدایت و به سلامت هدایت می‌کند، می‌بینند و نمی‌خواهند او را از دست بدهند.

و بنابراین، آنها به داوود می‌گویند که دیگر قرار نیست در این موقعیت‌های نبرد تن به تن شرکت کنی. بنابراین، این باید مربوط به اواخر دوران کاری او بوده باشد. نبرد دیگری با فلسطینیان رخ می‌دهد و یکی از مردان قدرتمند داوود، سبکای حوشاتی، مردی به نام سوف را که او نیز از نوادگان رافا است، می‌کشد.

سپس در آیه ۱۹، نبرد دیگری با فلسطینیان در گوو، جنگجوی به نام احانان، پسر یائیر بیت‌الحمی، فرد تنومندی را می‌کشد که احتمالاً برادر جالوت است. متن عبری دوم سموئیل ۱۹:۲۱ واقع می‌گردد احانان جالوت را کشت. و بنابراین، محققان در این مورد دچار سردرگمی شده‌اند، وای، وای، من فکر می‌کردم داوود جالوت را کشت، اما در اینجا احانان جالوت را می‌کشد.

و بنابراین، این مشکل به روش‌های مختلفی حل شده است. برخی استدلال می‌کنند که احانان فقط یک نام جایگزین برای دیوید است. من فکر نمی‌کنم اینطور باشد.

در اینجا داوود را در تمام طول داستان داوود صدا می‌زنند. چرا ما ناگهان او را احانان می‌نامیم، بدون اینکه نشانه‌ای از نام دیگری استفاده کنیم؟ برخی دیگر استدلال کرده‌اند که خب، ممکن است جالوت عنوانی بوده باشد که فلسطینی‌ها از آن استفاده می‌کردند، و بنابراین این یک جالوت متفاوت است. نمی‌دانم، به نظر من این‌طور می‌رسد که ما در آن مرحله داریم گره را باز می‌کنیم، نه اینکه آن را باز کنیم.

دیگران استدلال کرده‌اند که خب، ممکن است احانان بوده باشد که جالوت را کشته است. ممکن است داوود یک غول را کشته باشد، اما او جالوت نامیده نمی‌شود، و با گذشت زمان

نام جالوت در اول سموئیل ۱۷ و برخی متون دیگر که در آنها از او به عنوان جالوت نام برده شده، به داستان راه پیدا کرده است. من فکر می‌کنم ساده‌ترین راه حل استفاده از متن موازی تواریخ است.

در متن موازی تواریخ، در اول تواریخ ۲۰ آیه ۵ آمده است که احانان، لحمی، برادر جالوت، را کشت. حال، من فکر می‌کنم که لحمی تحریفی در متن تواریخ بیت‌لحمی است، بنابراین فکر نمی‌کنم هیچ یک از این متون، خوانش اصلی را حفظ کرده باشند. من فکر می‌کنم تحریف متنی رخ داده است.

ضمناً، این نباید شما را نگران کند و باعث شود فکر کنید که کتاب مقدس غیرقابل اعتماد است. وقتی ما معصومیت و الهام کتاب مقدس را تأیید می‌کنیم، معمولاً این امر با نوعی اظهار نظر در مورد نسخه‌های خطی اصلی، متن اصلی، همراه است. اما واقعیت این است که در طول زمان، همانطور که انسان‌ها این متون را منتقل می‌کنند، ممکن است خطاهایی رخ دهد.

و بنابراین، خطاناپذیری در مورد سنت نسخ خطی متاخر صدق نمی‌کند، بلکه در مورد متن اصلی صدق می‌کند، و بنابراین مهم است که به خاطر داشته باشیم، کاری که ما هنگام انجام نقد متنی مانند این انجام می‌دهیم این است که سعی می‌کنیم متن اصلی را تعیین کنیم.

وقتی این را مشخص کردیم، می‌توانیم تأیید کنیم که الهام گرفته از خداست و خطاناپذیر است.

و خب، این کاریه که ما اینجا داریم انجام می‌دیم. یه مشکلی داریم. به نظر نمی‌رسه این دو متن با هم جور در بیان، و آیا راهی هست که بتونیم بفهمیم متن اصلی چی گفته؟ فکر می‌کنم متن اصلی گفته که اهانان کشته، و بعدش فکر می‌کنم یه رابطه‌ی درست و حسابی هم وجود داشته.

نام.

فکر نمی‌کنم لحمی بود. یک اسم خاص وجود داشت، و بعد نوشته شده بود برادر جالوت. و اگر عبری بلد باشید، متوجه می‌شوید که عبری گاهی اوقات از یک حرف اضافه کوچک برای معرفی مفعول فعل استفاده می‌کند.

آن حرف اضافه et است. کلمه عبری برای برادر ach است، یا وقتی بعد از آن اسمی می‌آید achi می‌شود. در رسم‌الخط عبری، و به یاد داشته باشید که در اوایل جمله هیچ اشاره‌گر مصوتی وجود نداشت، فقط صامت‌ها بودند، و علامت مفعول شبیه کلمه brother بود.

و بنابراین، من فکر می‌کنم این به مشکل اینجا دامن زد. فکر می‌کنم اتفاقی که افتاد این بود که یک کاتب نوشت متن پیش روی او این بود که اهانان هر اسم خاص، et، علامت مفعولی، اسم خاص، برادر جالوت را کشت. و فکر می‌کنم اتفاقی که افتاد این بود که کاتب احتمالاً et را نوشت، سپس نگاهش به brother افتاد که شبیه et است، و بنابراین فکر کرد که et را نوشته است، و فقط از روی نام و کلمه brother برد شد، و سپس در نهایت او جالوت را کشت.

فکر می‌کنم این اتفاقی است که در روایت دوم سموئیل ۱۹:۱۲ استفاده است. اول تواریخ ۲۰ آنها سعی دارند آن را هموار کنند. در نهایت، می‌دانم که این کمی فنی است، اما فکر می‌کنم که

آنچه اتفاق افتاد، ایحانان یک فرد متمایز است، و او فردی را کشت که برادر جالوت بود.

طبق دوم سموئیل ۲۰-۲۱ نبرد دیگری در جت رخ داد و مرد غول‌پیکری در آنجا بود. بنابراین، خانواده‌ای از غول‌ها اینجا در منطقه جت وجود دارند.

جالوت یکی از آنها بود.

او مرد بزرگی است و یک ویژگی عجیب در مورد او وجود دارد. او در هر دست شش انگشت و در هر پا شش انگشت دارد. و اگر از نظر ریاضی مشکل دارید، کتاب مقدس عبری اغلب چیزهایی شبیه به این را بیان می‌کند.

۲۴ نفر در مجموع! و او نیز از نسل رافا بود و اسرائیل را طعنه می‌زند. و یوناتان، پسر شمیا، برادر داوود. بنابراین، این فردی است که برادرزاده داوود است.

او او را کشت. بنابراین، این چهار نفر از نوادگان رافا در جت بودند و به دست داوود و افرادش کشته شدند. بنابراین، داوود جنگجویان قدرتمند زیادی داشت.

داوود، جالوت را شکست داد، اما همانطور که می‌بینید، او جنگجویان دیگری را در اطراف خود داشت که بسیار ماهر بودند و آنها نیز به نمایندگی از داوود پیروزی‌های بزرگی کسب کردند و غول‌ها را نیز کشتند. در اینجا قصد داریم به بخش دوم در طرح کلی متحدالمركز در مورد مردان قدرتمند داوود بپردازیم. بخش بعدی با دوم سموئیل ۲۳ آیه ۸ آغاز می‌شود و در آن درباره برخی از افرادی که جنگجویان بزرگی بودند، می‌خوانیم و می‌توانید درباره شاهکارهای آنها بخوانید.

یک بار، آنها واقعاً رفتند و برای داوود در بیت‌الحم آب آوردند. آنها جان خود را به خطر انداختند. داوود گفت، می‌دانی، من دوست دارم از چاه یا مخزن نزدیک دروازه بیت‌الحم در خانه‌ام بنوشم.

آیا این الان مایه‌ی آرامش نیست؟ خب، او پیشنهاد نمی‌کرد که کسی برود و سعی کند آن آب را بیاورد، اما سه نفر از جنگجویان قدرتمندش صفوف فلسطینی‌ها را شکستند و از آن چاه یا مخزن برای داوود آب آوردند. و داوود چنان تحت تأثیر شجاعت و تعهد آنها به خودش قرار گرفت که آن را به عنوان هدیه‌ی نوشیدنی در مقابل خداوند ریخت. او گفت: من نمی‌توانم این را بنوشم. وقتی به این آب نگاه می‌کنم، خون تو را می‌بینم.

شما جان خود را برای انجام این کار به خطر انداختید، و بنابراین من این آب را تقدیس می‌کنم و آن را به عنوان هدیه نوشیدنی به حضور خداوند می‌ریزم. بنابراین، اینها افرادی هستند که داوود را احاطه کرده‌اند، و حتی یک نفر هست که من به طور خاص بنایا را دوست دارم. می‌توانید در مورد او در دوم سموئیل ۲۰:۲۳ بخوانید.

او جنگجوی شجاعی است و کارهای بزرگی انجام داده است. او دو جنگجوی قدرتمند موآب را کشت. او همچنین در یک روز برفی به یک گودال یا یک آب انبار، یک آب انبار خالی، رفت و شیر را کشت.

خب، می‌توانید تصورش را بکنید؟ وقتی به داخل یک آب‌انبار می‌روید، شما و شیر هستید، و برف می‌بارد، و می‌دانید وقتی برف می‌بارد، ممکن است لیز بخورید، و روی این آب‌انبارها گچ کشیده شده بود، بنابراین می‌توانستند لغزنده باشند، اما با این حال او شیر را کشت، او توانست شیر را بکشد، و یک مصری عظیم‌الجنه را به قتل رساند. آن مصری نیزه‌ای در دست داشت، و بنایا با چماق به سمت او رفت، و کاری که او می‌کند این است که نیزه را از دست آن مصری قاپید، و او را با نیزه خودش کشت، و بنابراین داوود این گروه از جنگجویان را داشت که به آنها سه نفر می‌گفتند، و آنها یک گروه بسیار نخبه بودند. افراد دیگری هم بودند که با آنها در ارتباط بودند، از جمله ابیشای که

قبلاً در موردش خوانده‌ایم.

در اینجا از او، برادر یوآب، صحبت شده است. او رئیس آن سه نفر بود، اما عضو آن سه نفر نبود، بلکه رئیس آنها بود، و نیزه خود را علیه ۳۰۰ نفر بلند کرد و آنها را کشت، و به اندازه آن سه نفر مشهور شد. بنابراین ابیشای، گاهی اوقات، بیش از حد غیرت نشان می‌دهد.

او در واقع با برادرش یوآب برای قتل اینر همکاری کرد، اما با این وجود، او جنگجوی بزرگی است. او مرد خوبی برای معاشرت است، و این ممکن است توضیح دهد که چرا داوود گاهی اوقات از گناهان او چشم‌پوشی می‌کرد و از اجرای عدالت علیه او خودداری می‌کرد زیرا او جنگجوی بزرگی بود که باید از او حمایت می‌کرد. بنابراین، این گروه نخبه از سه نفر وجود دارد و ابیشای با آنها مرتبط است، اما پس از آن ما یک لیست طولانی از نام‌ها داریم که به آنها سی نفر گفته می‌شود، و اگر نام‌ها را جمع کنید، کمی پیچیده می‌شود، زیرا در یک نقطه فقط در مورد پسران یا شن صحبت می‌شود، چند پسر، و بنابراین به نظر می‌رسد که ما بیش از 30 نام داریم.

خب، آیا این یک مشکل است؟ نه، فکر نمی‌کنم. این یک مشکل بسیار سطحی است. ممکن است این افراد همزمان جزو آن سی نفر نبوده باشند.

به عبارت دیگر، همه اینها افرادی هستند که در برهه‌ای از زمان عضو آن گروه بوده‌اند. این لزوماً به این معنی نیست که همه آنها در یک زمان عضو این گروه بوده‌اند، و ممکن است گروه سی نفره رشد کرده باشد. اگر شما از طرفداران فوتبال از غرب میانه بالا هستید، احتمالاً طرفدار یکی از تیم‌های کنفرانس بیگ تن هستید.

خب، چند تیم در کنفرانس بیگ تن حضور دارند؟ بیش از ده تیم، حالا که تیم‌های دیگری را هم آورده‌اند. و بنابراین گاهی اوقات برچسب‌ها همچنان ادامه پیدا می‌کنند، زیرا این روش سنتی برای اشاره به یک واحد یا موسسه است، حتی وقتی تعداد آنها از عدد اصلی بیشتر باشد. بنابراین این ممکن است یک موازی مدرن با آنچه ما اینجا داریم باشد، اما می‌توانید نام همه آنها را بخوانید، و سپس می‌گویید که در مجموع ۳۷ تیم وجود داشته است.

خب، به آنها سی نفر می‌گویید، اما در مجموع ۳۷ نفر هستند، و بنابراین بحث‌هایی وجود دارد، خب، آیا این در مورد لیست است؟ و شما کمی انعطاف‌پذیری دارید، زیرا می‌توانید پسران جشن را به هر تعدادی که می‌خواهید، برای پر کردن این تعداد، تعیین کنید.

اما همچنین، اگر به بخش قبل از لیست برگردید، می‌توانید به این موارد برسید:

هفت نام وجود دارد. بنابراین شاید وقتی گفته می‌شود در مجموع ۳۷ نفر، منظور سی نفر است که بیش از ۳۰ نفر بودند، آن سه نفر، و ابیشای، و افراد دیگری که با آنها مرتبط هستند.

بنابراین، در ابتدا، به نظر می‌رسد که در مورد اعداد و ارقام کمی سردرگمی وجود دارد، اما اگر با دقت به متن نگاه کنید، خواهید دید که روش‌های نسبتاً ساده‌ای برای حل این تنش‌ها وجود دارد. بنابراین، آنچه در اینجا می‌بینیم این است که داوود از حمایت بسیاری از جنگجویان بزرگی که خداوند برانگیخته بود، برخوردار بود. و بنابراین، فقط داوود نبود که پیروزی‌ها را به دست می‌آورد، بلکه داوود و جنگجویانش بودند که ارتش‌های اسرائیل را رهبری می‌کردند و خداوند به آنها اجازه داد تا در دفاع از ملت، کارهای بزرگی انجام دهند.

در درس بعدی به شعر بلند شکرگزاری داوود در دوم سموئیل ۲۲ خواهیم پرداخت. و همچنین به شعر کوتاه ابتدای فصل ۲۳ با عنوان «سخنان پایانی او» نگاهی خواهیم انداخت.

این دکتر باب چیشولم در تدریس خود در مورد اول و دوم سموئیل است. این جلسه ۲۶، انتقام با چماق برای جبعونیان، فصل ۲۱ آیات ۱ تا ۱۴، و مردان قدرتمند داوود، فصل ۲۱ آیات ۱۵ و بعد، و فصل ۲۳ آیات ۸ و بعد است.